وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش
مدیرمسئول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر: ۱۱:۴۹	غروب آفتاب: ۱۶:۵۷
اذان مغرب: ۱۷:۱۶	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۵
اذان صبح فردا: ۵:۱۴	طلوع آفتاب: ۶:۴۱

کلام نور

کسی که در کوچکی تحصیل علم نکند
در بزرگی تقدم اجتماعی نخواهد داشت.
حضرت علی(ع)

راهنما

برنامه‌های امروز سیما

شبکه	عنوان برنامه	پخش
۱	مستند	۱۹:۵۵
۱	مجموعه داستانی برابر اصل	۲۲:۱۵
۲	اندی و کیپ	۱۰:۱۵
۲	سخنرانی انصاریان	۱۴:۱۰
۲	سفرایمن	۱۹:۴۰
۲	سریال دولت مخفی	۲۱:۳۰
۳	ورزش و سلامتی	۸:۳۵
۳	بهونه	۱۲:۵۰
۳	سریال خارجی گروه تجسس	۲۰:۴۵
نمایش	گذرگاه تاریک	۱۳:۰۰
نمایش	آخرین شاگرد	۱۵:۰۰
نمایش	خروج	۱۷:۰۰
نمایش	تهران پلاک ۱	۱۹:۰۰
نمایش	پیمان‌سخت	۲۱:۰۰
نمایش	دنیای جدید	۲۳:۰۰

سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸

■ این موضوعی که از طرف برخی رسانه‌های غربی مطرح شده مبنی بر اینکه اورانیوم ایران به روسیه منتقل می‌شود و به جای آن میله سوخت دریافت می‌شود، اولاً بازگشت به ۵-۴ سال قبل است؛ ثانیاً همان موقع امکان‌پذیر نبود به دلیل غیرقابل اعتماد بودن غرب، ثالثاً به خطر انداختن زحمات دانشمندان کشور است. باید حقوق هسته‌ای با قاطعیت و بدون باج‌دهی احقاق شود.

لشکری

■ برخلاف اظهارنظر عجیب آقای دکتر ظریف مبنی بر اینکه قول اوباما را می‌پذیرد، رئیس‌جمهور آمریکا قابل اعتماد نیست و یکی از نشانه‌های آن هم همین توافقی بود که رئیس‌جمهور سابق برزیل و نخست‌وزیر پیشین ترکیه و رئیس‌جمهور فعلی این کشور را ترغیب کرد به ایران بیایند و مساله هسته‌ای را با انتقال اورانیوم به خارج از ایران فیصله دهند. نکند دوباره به این عروسک صهیونیست‌ها اطمینان کنند. از سادگی کسانی که توافق ژنو را امضا کردند، چنین چیزی بعید نیست

یک‌شهروند

■ طبق قانون اساسی باید تمام موافقتنامه‌های بین‌المللی ایران با سایر کشورهای دنیا به تایید مجلس شورای اسلامی برسد. حال که به پایان مهلت مذاکرات نزدیک می‌شویم، نمایندگان محترم مجلس که تاکنون از جانب دولت نامحرم تلقی می‌شدند، باید از تمام جزئیات توافق مطلع شده و برای تصمیم‌گیری‌ای که در راستای منافع ملت باشد، کاملاً آماده باشند.

محمدی‌فر

آب‌وهوا

اراک	۲۷ / ۱۸	زنجان	۲۸ / ۱۲
اردبیل	۱۶ / ۱۲	ساری	۲۹ / ۲۱
ارومیه	۲۹ / ۱۲	سمنان	۲۹ / ۲۱
اصفهان	۳۳ / ۱۵	سنندج	۳۳ / ۱۳
اهواز	۴۲ / ۲۶	شیراز	۳۵ / ۱۹
ایلام	۳۳ / ۱۳	شهرکرد	۳۰ / ۹
بجنورد	۲۸ / ۱۳	قزوین	۳۰ / ۱۴
بیرجند	۳۵ / ۱۶	قم	۳۳ / ۱۸
بندرعباس	۳۷ / ۲۷	کرج	۳۱ / ۱۸
بوشهر	۳۸ / ۲۹	کرمان	۳۴ / ۱۷
بوموسی	۳۴ / ۲۹	کرمانشاه	۳۳ / ۱۳
تبریز	۲۹ / ۱۶	گرگان	۳۰ / ۲۱
تهران	۳۲ / ۲۱	مشهد	۲۹ / ۱۴
خرم‌آباد	۳۵ / ۱۵	همدان	۳۱ / ۱۳
رشت	۳۶ / ۲۱	یاسوج	۳۲ / ۱۴
زاهدان	۳۵ / ۱۹	یزد	۳۶ / ۲۲

تقویم تاریخ

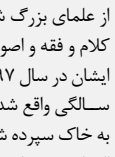

■ **سالروز تخریب حرمین عسکریین علیهماالسلام (۱۴۲۷ق)**

در بیست و سومین روز از ماه محرم ۱۴۲۷ق، اشغالگران و تروریست‌های مزدور آنان در جنایتی هولناک، در شهر سامره به تخریب حرم مطهر حضرت امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) دست یازیدند و لعن و ننگ و نفرین ابدی را برای خویش خریدند. همه مؤمنان و پیروان امامت و ولایت را در سالروز این فاجعه بی‌شرمانه دشمنان ایمان و امان، تسلیت سزاوار باد و نابخردانی را که گمان برده‌اند می‌توانند با پلیدی خویش، نور پاک حق و چراغ روشن دین و معنا را از شبستان دنیا محو کنند، هشداری گزنده روا باد که پُف ناچیزشان، توان به خاموشی کشاندن چلچراغ حقایق را ندارد و اینگونه تلاش‌های مذبوحانه به‌اندازه سر سوزنی قادر نیست عشق و ولای رهروان راه خدا را در پیمایش کوچه‌های روشن و خیابان‌های آفتابین راهبری معصومان تاریخ- که از زبان همه پاکان بر آنان درودی فراوان نثار باد- اندکی بکاهد. نه ما، که همه آزادگان، همه تاریخ و همه ذرات گیتی، چنین بداندیشی‌ها و کوته‌نگری‌ها را محکوم می‌کنند و ما با تجدید میثاق با امامان والامقام خویش، سر در راه عشق و جان در راه پیروی آنان می‌گذاریم و برای همه عالمان زشتی‌آفرین و تباهی‌طلب، ننگ و نکبتی و دور باد از رحمت خالق یکتا را از پیشگاه او می‌خواهیم!

■ **رحلت حکیم بزرگوار حاج ملامحمد نراقی، عالم بزرگ شیعه (۱۲۹۷ ق)**

حاج ملامحمد نراقی ملقب به عبدالصاحب معروف به حجت‌الاسلام فرزند ملا احمد نراقی از علمای بزرگ شیعه بوده است که در علم کلام و فقه و اصول صاحب تألیف است. وفات ایشان در سال ۱۲۹۷ ق در کاشان در حدود ۸۰ سالگی واقع شد و نزد مدفن پدر بزرگوار خود به خاک سپرده شد. کتب انوارالتوحید در کلام، المَراصِد در اصول و مشارق‌الاحکام در فقه از جمله آثار این حکیم جلیل است.

■ **گشایش کانال سوئز در مصر و اتصال دریای سرخ و مدیترانه (۱۸۶۹م)**

طرح اتصال دریای سرخ و دریای مدیترانه، به روزگار باستان بازمی‌گردد و گفته می‌شد این طرح، اولین بار در زمان حکومت هخامنشیان عملی شد اما این کانال پس از چندی زیر شن‌های بیابان پر شد و آثارش از میان رفت. بیش از ۲۳ قرن بعد، اوجگیری رقابت‌های انگلستان و فرانسه در قرن نوزدهم و تلاش هر کدام از آنها در برتری‌جویی نظامی- تجاری باعث شد بار دیگر این طرح عنوان شود و این بار فرانسه به‌عنوان یک قدرت صنعتی - نظامی و در حقیقت به‌عنوان یک دولت استعماری درصدد برآمد تا ساخت این کانال را عملی کند. ازاین رو، طرح حفر کانال در سال ۱۸۵۴م توسط یک مهندس فرانسوی به نام فردیناند دول تهیه شد و کار حفر آن از ۲۵ آوریل ۱۸۵۹م آغاز شد. در این میان، از آنجا که بین فرانسه و انگلیس، رقابت آشکاری در میان بود، انگلستان از ارائه هر نوع کمک به فرانسه مضایقه کرد، چرا که حفر کانال به قدرت فرانسه می‌افزود. بنابراین فرانسویان بدون کمک از هیچ کشوری به‌تنهایی اقدام به این کار کردند و ظرف مدت ۱۰ سال، با هزینه‌ای بالغ بر ۴۰۰ میلیون فرانک، این پروژه را به اتمام رساندند. طول این کانال حدود ۱۷۰ کیلومتر، عرض آن ۶۰ متر و عمیق‌ترین نقطه آن، ۲۲ متر عمق داشت که بعدها وسعت بیشتری یافت به طوری که عرض آن به ۲۰۰ متر رسید. کانال سوئز در ۱۷ نوامبر ۱۸۶۹م طی تشریفاتی گسترده با حضور امپراتور فرانسه و عبور کشتی حامل وی، افتتاح شد. علت حفر کانال سوئز توسط فرانسه این بود که در آن زمان، سرزمین مصر تحت استعمار فرانسه قرار داشت و با حفر این کانال، راه ارتباط دریایی اروپا به طرف ساحل شرقی قاره آفریقا و شبه‌قاره هند و شرق آسیا بسیار کوتاه شد. این کانال منافع اقتصادی ویژه‌ای برای مصر فراهم آورد و تجارت منطقه را تحت تأثیر قرار داد چرا که مسیر عبور کالا از آسیا و اقیانوسیه به اروپا را بسیار کاهش می‌داد. همچنین کانال سوئز مرز بین دو قاره آسیا و آفریقا به شمار می‌رود.

زنبور

کارتون: مازیار بیژنی، وطن‌امروز

مدل بازرسی آژانس انرژی اتمی از تاسیسات هسته ای ایران

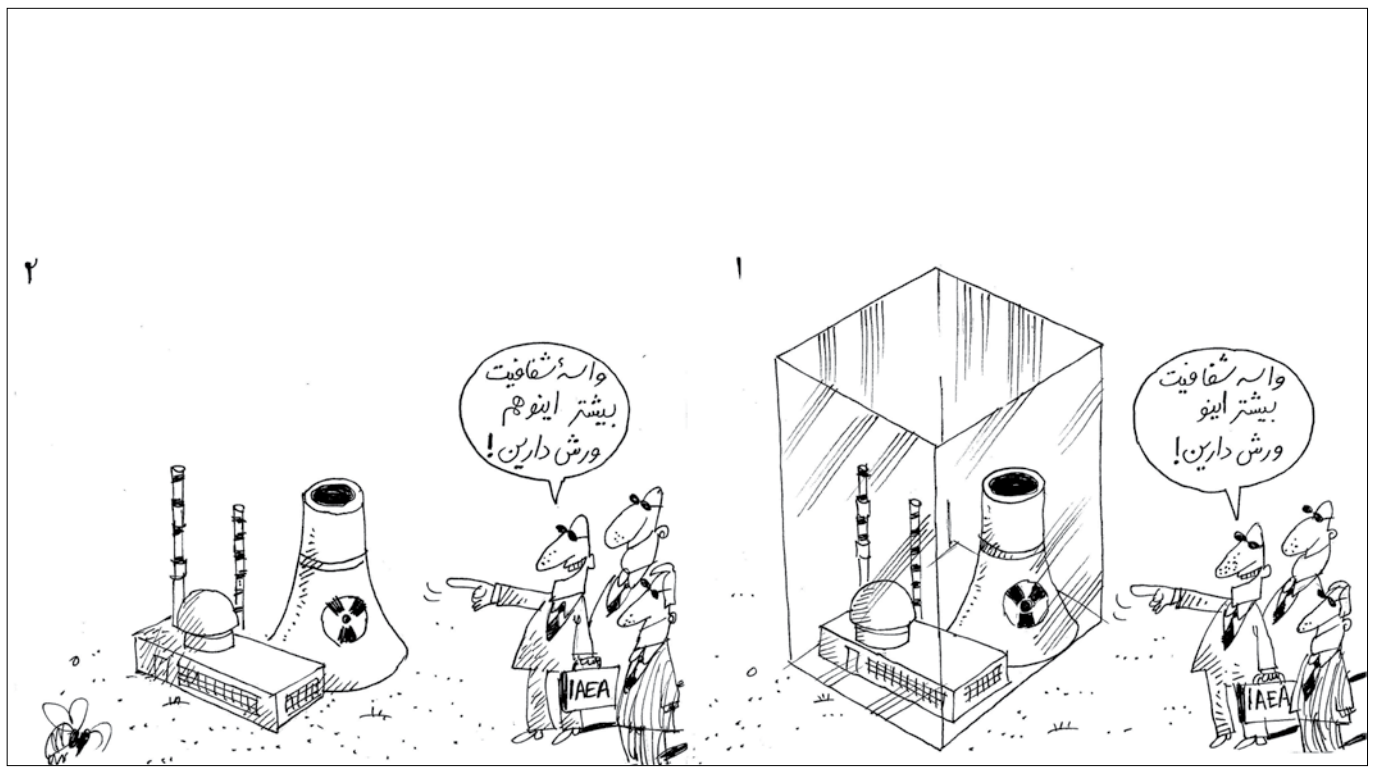

نگاه دیگران

اوبامای پا در هوا، جلوی کنگره جمهوریخواهان درنمی‌آید

فاتحه توافق هسته‌ای را بخوانید!

■ فینین کانینگام*

شاید این چرخش ظالمانه‌ای در سرنوشت [دولت اوباما] باشد که تنها چند هفته مانده به ضرب‌الاجل توافق هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ در ماه نوامبر، انتخابات میاندوره‌ای ایالات متحده به یک کنگره تحت کنترل جمهوریخواهان انجامید.

حال با سلطه توأمان حزب قلدرتر جمهوریخواه بر سنا و مجلس نمایندگان، به نظر می‌رسد قطعا باید فاتحه هرگونه حل و فصل بحث هسته‌ای و رفع تحریم‌های غرب علیه ایران را بخوانیم.

پس از یک سال مذاکره، ظرف روزهای آتی - یک هفته دیگر- فرستادگانی از ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان با همتایان ایرانی‌شان ملاقات می‌کنند تا بلکه به توافقی بر سر بن‌بست هسته‌ای دست یابند. این هفته اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا گفت واشنگتن چارچوبی ارائه داده که به ایران اجازه می‌دهد به اهدافش درباره انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز دست یابد و رژیم تحریمی که قدرت‌های غربی بر ایران تحمیل کرده‌اند را باطل کند البته خود اوباما با گفتن اینکه «در صورتی ما می‌توانیم به یک توافق واقعی برسیم که ظرف ۴-۳ هفته آتی به آن دست پیدا کنیم» بر توافق احتمالی سایه انداخت.

با توجه به اینکه اوباما پیش از انتخابات میاندوره‌ای دموکرات‌ها وعده داده بود که آماده است تا «قدرت‌های اجرایی» مستقل کنگره را به منظور فشار برای یک توافق در نشست ۵+۱ ترغیب کند، حالا همان اوباما باید با آرزوی دستیابی به گشایشی در رابطه با ایران در مقابل کنگره‌ای بی‌پروا - تحت نفوذ اکثریت جمهوریخواه - بایستد اما سابقه دو دوره‌ای او در کاخ سفید نشان می‌دهد که او جربزه چنین تقابلی را ندارد.

همین حالا این رئیس‌جمهور «لنگ اردکی» (اصطلاحی که آمریکایی‌ها برای اعضای بلاتکلیف یا لنگ در هوای کنگره قبلی در فاصله شکست خوردن در انتخابات و تشکیل کنگره بعدی به کار می‌برند و در اینجا شامل حال سناتورها و نمایندگان هم‌حزبی اوباما می‌شود) ژستی آشتی‌جویانه برابر جمهوریخواهان گرفته است. واشنگتن پست این هفته گزارش داد اوباما می‌خواهد «مصالحه‌ای با جمهوریخواهان تازه به قدرت رسیده برقرار کند».

علاوه بر این اوباما طی ۲ سال باقیمانده از ریاست‌جمهوری‌اش بیشتر مایل است که رقبایش را برای نجات مشروعیت داخلی‌اش در مساله اصلاح نظام بهداشت و درمان - «اوباماکر»- آرام نگاه دارد نه اینکه در جار و جنجال بر سر مساله هسته‌ای ایران آن را به خطر اندازد. اما آنچه در ردیف اول اهمیت قرار دارد و شوم‌تر است، اغراض ژئوپلیتیک در رابطه با چرایی ورود واشنگتن به آشتی ظاهری با ایران است. خود این فرض که دستگاه اوباما واقعا به دنبال راه‌حلی با ایران بوده باشد، زیر سوال است.

ما اینجا به یک مقام اطلاعاتی ارشد روس، نیکولای پاتروشف، مراجعه می‌کنیم که ماه پیش گفت‌وگویی روشنگرانه با رسانه‌های روسی درباره روابط رو به وخامت واشنگتن و مسکو داشت. پاتروشف که رئیس شورای امنیت روسیه است، گفت که سیاست «تنظیم مجدد» (Reset) واشنگتن از ۲۰۰۹-۲۰۰۸ با پیشنهاد اوباما مبنی بر همکاری دیپلماتیک با مسکو مطرح شد اما دورویی از همان پیش‌درآمدش پیدا بود: «خیلی زود مشخص شد که واشنگتن تمایلی برای همکاری حقیقی ندارد. آنها خودشان را محدود کرده بودند به اظهارات دوستانه محض و ابداع مسیرهایی که ظاهرا به منافع روسیه منجر می‌شد اما دست آخر تقریبا هیچ‌چیز را ثابت نکرد. پس از مدتی حتی همین دیالوگ‌های مثبت کاملا مشورتی (غیر الزام‌آور) نیز پایان یافت و بار دیگر موضع ایالات متحده در قبال کشور ما، دوران جنگ سرد را تداعی کرد.»

نشان اغراض نهان واشنگتن در رابطه با روسیه، بحران فعلی اوکراین است و بهانه‌جویی برای راه انداختن تحریم‌ها علیه مسکو. چهره حقیقی و زشت واشنگتن زمانی فاش شد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه حاضر به تن دادن به تسلط ژئوپلیتیک آمریکا بر اقتصاد جهانی نشد. در سال‌های اخیر پوتین به‌واسطه همکاری‌های راهبردی با چین و دیگر اقتصادهای در حال ظهور بریکز به پیش رانده است. دلیل حقیقی اینکه چرا واشنگتن با مسکو از در سیاست «تنظیم مجدد» اوباما درآمد چندان به «ریست» مربوط نمی‌شد بلکه بیشتر با نیت «آفست» (جابه‌جایی) توسعه چندقطبی اقتصاد جهانی بود که به افول هژمونی آمریکایی و بویژه تسلط دلار شتاب می‌بخشید. چون پوتین براساس شمای آمریکایی با توپ بازی نمی‌کرد، این به واکنشی خشمگینانه از سوی واشنگتن منجر شد که وضعیت بحران حال حاضر اوکراین به روشنی گویای آن است. ارتباط با ایران هم پس‌زمینه‌ای ژئوپلیتیک داشت که به‌خاطر آن واشنگتن از سیاست خصومت آشکار -علیه ایران - در دستگاه بوش به سیاست تعامل ظاهری در دستگاه اوباما چرخش کرد. چنانکه پاتروشف اشاره کرده «در شرایط بحران فراگیر مالی و اقتصادی جهان، بازیگران اصلی جدیدی چون جمهوری خلق چین، هندوستان، برزیل و جمهوری اسلامی ایران به موازات اقتصادهای در حال رشد جنوب شرق آسیا و کره‌جنوبی به عواملی به طور روزافزون چشمگیر در نظر ایالات متحده تبدیل شدند. از این رو به‌طور ناگهانی با تقدم یافتن اصول مفهومی جدیدی مواجه شدیم؛ مانند شراکت خاص آمریکایی- چینی، تشریک مساعی راهبردی میان آمریکا و هند و بالاخره برقراری دیالوگ مستقیم میان واشنگتن و ایران و از این دست.»

بنابر این پایه و اساس مذاکرات دیپلماتیک واشنگتن با ایران حقیقتا هرگز به حل بحث یک دهه‌ای هسته‌ای مربوط نمی‌شد بلکه فراتر از آن، همواره بازیابی منافع سلطه ایالات متحده بر اقتصاد جهانی مد نظر بود و سعی شد شراکت‌های ایرانی با حوزه‌های جایگزین توسعه - به سمت شراکت با آمریکا - پیشدستی شود. پس از یک سال مذاکرات غیرمستقیم و اقدامات قابل توجه توسط ایران برای یافتن راه‌حل، مذاکره‌کنندگان آمریکایی به شکلی گیج‌کننده هنوز «در حال فشار آوردن به ایران برای تضمین دادن درباره صلح‌آمیز بودن امیال هسته‌ای‌اش» هستند.

هنوز مانده که آن شاه‌بلوط کهنه از رهاورد کرختی ذهن‌فرسای مذاکرات باری بدهد (معادل انگلیسی ضرب‌المثل پارسی بزک نمیر بهار میاد، کمبزه با خیار میاد) که این در حقیقت خیانت واشنگتن با یک بی‌میلی رذیلانه است در پیدا کردن راه‌حلی واقعی برای اختلاف هسته‌ای و پایان دادن به تحریم علیه ایران. همانند مورد روسیه، اینجا هم تحریم‌ها فقط ابزاری در خدمت آمریکا برای کنترل سیاسی هستند. بسیار محتمل است که کنگره تحت کنترل جمهوریخواهان، ضربه پتکی بر دیپلماسی یک‌ساله با ایران حواله دهد اما این با توجه به اغراض نهان واشنگتن درباره ایران، جای شگفتی ندارد. با این وجود فرجام بازی ۵+۱ خوش است. برای اینکه به ایران اجازه می‌دهد انرژی سیاسی‌اش را آزاد کرده و برای تقویت شراکت‌های جدید جهانی به کار بندد.

منبع: پرس‌تی‌وی

*** کارشناس «بنیاد فرهنگ راهبردی» و روزنامه‌نگار سابق میرر، ایندیپندنت و آیریش تایمز**

روزنه

آزمودن چندباره بدیهیات

■ علی صادق‌زاده

آقای روحانی رئیس‌جمهور محترم پنجشنبه ۱۳۹۳/۸/۲۲ در جمع بازرگانان ایران و جمهوری آذربایجان در بیان درس‌هایی که از تحریم آموخته‌ایم، گفت: «از فشار تحریم آموختیم کشورهای غربی قابل اعتماد نیستند و در روز فشار و خطر و تحریم به بهانه‌های اندکی طرف مقابل خود را رها می‌کنند و حتی منافع خود را زیر پا می‌گذارند اما کشورهای همسایه اینچنین عمل نمی‌کنند».

ایشان همچنین گفتند: «این را هم آموخته‌ایم که اگر ملتی اراده کند، می‌تواند آثار تحریم را به عدد صفر نزدیک کند و حتی در این شرایط برنامه‌های اقتصادی خود را با قوت به پیش ببرد».

در تکمیل اظهارات رئیس‌جمهور محترم نکاتی قابل بیان است:

۱- در باب اینکه ملت ایران از چه زمانی دقیقاً این واقعیت را درک کرد که «غرب و به‌طور کلی جبهه استکبار قابل اعتماد نیست» شاید بتوان گفت این بی‌اعتمادی قدمتی به درازای تاریخ استعمار دارد اما از آنچه حداقل در نیم قرن اخیر تاریخ معاصر در حافظه نزدیک خود به یاد دارد اینطور بر می‌آید که این ملت دهه‌ها قبل از اینکه در معرض فشار تحریم قرار گیرد به غرب بی‌اعتماد بوده است. حمایت از ده‌ها کودتای منجر به سرنگونی دولت‌های مردمی در کشورهای جهان از جمله سرنگونی دولت مصدق، حمایت از رژیم سلطنتی مطلقه در برابر آرمانخواهی ملت ایران، تلاش برای بی‌ثبات‌سازی و براندازی انقلاب اسلامی، ایجاد درگیری‌های قومیتی در کشور، حمایت سیاسی از دیوانه‌ای چون صدام و حمایت تسلیحاتی از او در ۸ سال جنگ تحمیلی، در اختیار قرار دادن تسلیحات کشتار جمعی، پناه دادن به منافقین تروریست و حمایت سیاسی و معنوی از آنان، هدف قرار دادن هواپیمای مسافری ایران و کشتن صدها زن و مرد و کودک بی‌گناه و اعطای نشان افتخار به فرمانده ناو وینسنس برای این جنایت، لیست بلندبالای تحریم‌های متنوع علیه جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی تا امروز، طراحی و پشتیبانی غائله‌ها و فتنه‌های ۷۸ و ۸۸، لشکرکشی به عراق و افغانستان و کشتار صدها هزار نفر از مردم بی‌گناه، به‌وجود آوردن یا حمایت از تروریست‌های اجاره‌ای همچون جندالشیطان، القاعده، داعش و...، حمایت مالی، سیاسی و تسلیحاتی از رژیم کودک‌کش اسرائیل و ایجاد چتر حمایتی برای نسل‌کشی این رژیم در غزه و لبنان، حمایت سرسخت از عقب‌افتاده‌ترین و سرکوبگرانه‌ترین رژیم‌های عربی منطقه به‌رغم ادعای خنده‌آور دموکراسی‌خواهی و حمایت از آزادی و حقوق بشر و... بخش کوچکی از سیاهه بلندی است از دلایلی که در نیم قرن اخیر زمینه‌ساز بی‌اعتمادی به غرب از سوی ملت ایران شده است.

۲- در باب بخش دوم بیانات رئیس‌جمهور محترم نیز که گفته‌اند: «این را هم آموخته‌ایم که اگر ملتی اراده کند، می‌تواند آثار تحریم را به عدد صفر نزدیک کند.» این واقعیت قابل بیان است که نه تنها در موضوع تحریم که در همه آزمون‌هایی که در برابر ملت ایران در نیم قرن گذشته قرار گرفته این ملت آموخته است که در صورت اراده می‌تواند با دست خالی بر رژیمی تا بن‌دندان مسلح پیروز شود، می‌تواند در برابر دشمنی چون صدام و حامیان جهانی آن ۸ سال از خاک و ناموس خود دفاع کند، می‌تواند با دست خالی و صرفاً با اتکا به ظرفیت‌های داخلی در صنایع نظامی، بیوتکنولوژی، نانو و... به پیشرفت‌های غیر قابل تصوری برسد، می‌تواند زمینه‌ساز تحول بنیادین در منطقه شود، می‌تواند صرفاً با اتکا به اراده در برابر زورگویی‌های غرب ایستاده و از حقوق خود دفاع کند و...

۳- اعتراف رئیس‌جمهور محترم به تجربه‌ها و آموخته‌های گرانقیمت خود از «تحریم و اراده ملت» که با گذشت بیش از یک‌سال از دولت یازدهم بیان کرده‌اند اگرچه جای خرسندی دارد اما در عین حال جای تأسف است از اینکه این دولت بیش از یک‌سال وقت ارزشمند خود و ملت را صرف تجربه‌آموزی و آزمودن بدیهیاتی کرده است که نتیجه آن از ابتدا هم روشن بود. این اظهارات دقیقاً ترجمه این معناست که: «مذاکره با نماد استکبار هیچگاه نتیجه برد- برد در پی نخواهد داشت»، «حقوق یک ملت را نه در مذاکره با قدرت‌های غرب که باید با اتکا به استعداد، اراده و ظرفیت‌های داخلی احیا کرد»، «مساله هسته‌ای صرفاً بهانه‌ای برای غرب در مسیر اجرای پروژه براندازی است»، «اقتصاد مقاومتی یگانه راه خروج از مشکلات کشور و خلاصی از شر دشمنان این ملت است» و... .

یادداشت روز

دام تمدید

ادامه از صفحه اول

همین بخش‌ها آمریکا را کم و بیش متقاعد کردند که در عمل، اعتقادی به یک استراتژی درون‌زای اقتصادی ندارند و می‌خواهند تمام بار اقتصاد کشور را به دوش یک توافق هسته‌ای بگذارند که تحریم‌ها را تعدیل می‌کند. و مهم‌تر از همه، همین بخش‌ها بودند که به آمریکا گفتند آینده سیاسی آنها در گرو توافق هسته‌ای است و بدون یک توافق – توافقی که تاکید شد محتوایش هر چه باشد بهتر از توافق نکردن است- از صحنه سیاسی کشور حذف خواهند شد. ارسال این آدرس‌های اشتباه بود که مذاکرات را به وضعیت فعلی کشاند و الا چرا آمریکایی که در منطقه درمانده شده و هیچ راهی جز آویختن از ریسمان ایران نمی‌بیند، باید در مسقط به خود جرات بدهد و از تعلیق همه چیز در ازای هیچ سخن بگوید؟ نتیجه این بحث یک جمله بیش نیست: آن روز که شما به چشم دوست به آمریکایی‌ها نگاه می‌کردید، آنها شما را دشمن‌ترین دشمنان خود می‌دانستند.

۳- اکنون زمزمه‌هایی بلند شده است که مذاکرات تمدید خواهد شد. هنوز روشن نیست مکانیسم این تمدید چگونه خواهد بود ولی دو طرف می‌گویند هرگز تن به شکست کامل مذاکرات نخواهند داد. سوال اصلی و مهم این است که بر چه اساس تیم مذاکره‌کننده به این نتیجه رسیده است که تمدید مذاکرات به سود ایران است. آیا تعطیل شدن بخشی دیگر از برنامه هسته‌ای ایران در ازای چند صد هزار دلار پول، روندی است که منافع ایران در آن نهفته باشد یا آنگونه که پیش‌تر در یادداشتی نوشته‌ام کل این داستان بازی آمریکاست که به‌تدریج برگ‌های هسته‌ای ایران را از ایران بگیرد و در مقابل هیچ دستکاری جدی در تحریم‌ها نکند؟ مهم‌تر از این، واقعا چه تضمینی وجود دارد که در صورت تمدید مذاکرات و خرید زمان بیشتر، آمریکایی‌ها موضع خود را تغییر دهند و آینده مذاکرات بهتر از گذشته آن باشد؟ در حقیقت، موضوع کم و بیش روشن است: یا توافق کنید یا این روند را همین‌جا خاتمه دهید.